

اخبار

پیام وزیر فرهنگ به هفدهمین جشنواره تئاتر خیابانی میروان



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی میروان پیام داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیامی برای برای هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی میروان صادر کرد.

در این پیام آمده است:

«انسان، از دیرباز تاکنون، هنر را رسانه‌ای کارآمد و بی‌بدیل برای نمایش آرمان‌ها و آرزوهایش دیده است که می‌تواند دل‌مشغولی‌های روزگارش را در آینه زلال خود بنمایاند و روایت‌گر حقیقت باشد. اهالی فرهنگ و هنر («نمایش» را نزدیک‌ترین گونه بیانی به زندگی برای ابراز نیازهای ارزشمند روحی و جامع‌ترین وسیله برای گفتن از فضیلت‌ها و هنجارهای به فراموشی سپرده‌شده و امیدهای دورافتاده از آرزانشهر خود یافته‌اند و بر پایه این نیاز و ظرفیت، گونه‌های نمایشی متعددی را در گذر زمان و بنا به ذوق و سلیقه و همچنین شیوه‌ها و فرم‌های نوآمندی‌های زنی‌شان سامان داده‌اند.»
«تئاتر خیابانی» به یاری صمیمیت و سادگی بیشتر در ایجاد ارتباط و پویایی و حرکت گرم بازیگرانش در معابر شهری و فرصت حضور در میان مردم، بی‌تردید بیشترین پنجره‌را برای گفتن از زندگی بااسته‌هایش می‌تواند بگشاید.
ناگفته‌نیایدست که در لایه‌های دیگر این تلاش و پوییش می‌توان تقویت مؤلفه گرانسنگ و مغتنم وقاف ملی را در سایه حضور هنرمندانی از سراسر گستره خاک ایران اسلامی و تنوع قومی و زبانی را در کردستان زیبا و مرزنشینان سرفرازشان مشاهده کرد و در نشانه‌های روشنی از توسعه همکاری‌های بین‌المللی حاصل شرکت گروه‌های هنری از سایر کشورهای جهان را نیز در آن به تماشا ایستاد.
امید استوار اینجانب سرلندی تمامی حاضران در «هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی میروان» و عزت و رضایتمندی میزبانان فرهنگمدار آن خطه مرزی از درگاه شامخ پروردگار یکتاست.»

شبنم‌مقدمی:

به سینمای کودک بها دهید

شبنم مقدمی بازیگر شناخته شده کشورمان گفت: از مسئولان جشنواره فیلم کودک و نوجوان می‌خواهم که به سینمای کودک و نوجوان بها دهند و آن را جدی بگیرند.

شبنم مقدمی بازیگر شناخته شده کشورمان و داور سی‌وششمین دوره از جشنواره فیلم کودک و نوجوان از حس و حال سی و ششمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان گفت: حس و حال جشنواره کودک همیشه خوب است، چون این جشنواره یک کانونه‌ای دارد که کودک درون همه را بیدار می‌کند. جشنواره کودک و نوجوان همیشه شیرین است و همیشه کنار جشنواره کودک بودن دلنشین است.

وی از دیدگاه خود از نسل امروز گفت: نسل امروز بچه‌های جدی هستند، کسانی که اطلاعاتشان بیشتر از نسل ما است. این نسل چیزهایی که به آن علاقه‌مند هستند را با جسارت مطرح و عنوان می‌کنند و این به نظرم یک قدم بزرگ است. نسل امروز دنبال مطالبات خود هستند. مقدمی در توصیه‌ای به مسئولان و فیلمسازان کودک و نوجوان عنوان کرد: بیش از توصیه به فیلمسازان باید از مسئولان خواهش کرد که به سینمای کودک و نوجوان بها دهند و این سینما را جدی بپذانند، به این سینما امکانات بدهند. گفتنی است که شبنم مقدمی با حضور مستمر در تئاتر، سینما، تلویزیون، رادیو و تولید کتاب‌های صوتی، مشارکتی گسترده در صنعت سینما داشته و جوایز متعددی از جمله دو سیمرغ بلورین را نیز از آن خود کرده است. مقدمی از بازیگران کم‌حاشیه و پرکار ایران است که از اواخر دهه هشتاد مورد توجه مخاطبان و منتقدین سینما قرار گرفت. وی تاکنون منتخب حدود بیست نامزدی و برنده بیش از ده جایزه بازیگری بوده است و تجربه سال‌ها فعالیت در رادیو، نقش آفرینی در بسیاری از آثار سینمایی، سریال تلویزیونی و صحنه تئاتر دارد.

سینمای ایران زمانی تصویری از عمق زندگی اجتماعی بود؛ تلافی هنرمندانه‌ای که واقعیت‌های جامعه را در قالب نقره‌ای به نمایش می‌گذاشت. اما این روزها، سینما به‌جای آنکه بازتابی از جامعه باشد، بیشتر به دنبال بازتاب اسکناس‌هاست. هنر هفتم، که زمانی رسالتی فراتر از سرگرمی داشت، اکنون در پی نجات خود، چرخ‌هایش را در مسیر تجاری‌سازی به حرکت درآورد است.

فروش ۹۸۱ میلیارد تومانی امسال سینما، که بیشتر مدیون چند کمدی پرطرفدار است، گواه این تغییر مسیر است. این نه تنها نشانه‌ای از موفقیت، بلکه علامتی از تحولی است که ریشه‌های سینمای اجتماعی را مک‌رنگ کرده است. این همان مسیری بود که مدیران سینمای ایران پس از پشت سر گذاشتن حوادث سیاسی و اجتماعی طی دو دهه اخیر، پیش گرفتند؛ پناه بردن به ژانر کمدی برای نجات!

مسیری که بخش گسترده‌ای از جامعه نیز خواسته یا ناخواسته به آن پیوست و در دوره‌هایی خاص، سقوط ژانر اجتماعی و صعود ژانر کمدی حاصل شد. همین حالا بیش از ۵۰ درصد گیشه در تصرف آثار کمدی است و به نظر می‌رسد سایر ژانرها، خارج از گود باشند و در حقیقت آنچه در دو سال اخیر به عنوان آمار درخشان فروش سینمای ایران از آن یاد می‌شود بدون کمدی‌های بزن و بکوب و حتی گاه پهلوی زده به فیلم فارسی تقریباً اصلاً وجود ندارد.

تحول ژانری و فروپاشی سینمای اجتماعی

به گزارش اقتصاد ۲۴، با توجه به شرایط اقتصادی و تورم که حتی بهای سینما رفتن را هم گزاف کرده، مخاطب ترجیح می‌دهد لحظاتی خود را از بن‌بست‌ها و گرفتاری‌های متعدد زندگی بیرون بکشد. کم‌رنگ شدن تولید فیلم با مضامین مختلف ذیل سایه سنگین آثار طنز، ره آوردی جز کوچ فیلمسازان به ساخت چنین فیلم‌هایی ندارد. حالا گویی، در سینما ما، مرز بین ژانر کمدی و هجو به طور آشکار نامرئی شده است. گویی هدف اصلی تولید کمدی‌ها، صرفاً پر کردن زمان تماشاگران و خارج کردن ذهن آن‌ها از دغدغه‌ها و معضلات جامعه است. روندی که طراحان این روند اکران، به خوبی از آن آگاه و تنها به دنبال اشباع اهداف تجاری و سیاسی خود هستند.

با همین فرمول، «تگزاس» ساخته مسعود اطیابی ۲۳۳ میلیارد تومان، «تمساح خونی» که کارگردانی جواد عزتی ۱۶۸ میلیارد تومان، «مست عشق» ساخته حسن فتحی ۱۱۰ میلیارد تومان، «خجالت نکش ۲» ساخته رضا مقصدوی ۸۶ میلیارد تومان، «پول و پارتی» به کارگردانی سعید سهیلی ۸۴ میلیارد تومان و «سال گرهبه» ساخته مصطفی تقی‌زاده ۶۴ میلیارد تومان فروختند. آنچه واضح است جز یک فیلم، ۵ فیلم اول جدول اکران، کمدی هستند.

حذف همین پنج اثر از جدول اکران، رقم فروش گیشه را به ۳۳۶ میلیارد تومان می‌ساند. ۳۳۶ میلیارد از ۹۸۱ میلیارد تومان؛ بماند که جز این پنج فیلم، «قیف»، «مفت‌بر»، «ملاقات با جادوگر»، «فلکب»، نیز کمدی هستند و حداقل این آثار نیز، ۶۰ میلیارد تومان دیگر از گیشه کم می‌کند.

چطور سینمای اجتماعی به دوره رکود وارد شد؟

سینمای ایران روی کاکل کمدی‌ها

گروه فرهنگ و هنر - تولیدات سینمایی ایران اکنون با بحران رکود مواجه است. از یک سو، سینماگران مستقل برای تامین مالی برای تولید فیلم‌های خود مشکلاتی‌تدارند و این به تدریج منجر به کاهش تولیدات مستقل می‌شود. از سوی دیگر، ممنوع‌های‌الکاری‌های گسترده، عرصه را بر تولیدکنندگان آثار تنگ کرده است، مساله، هم امکان سرمایه‌سوزی در صورت محدودیت و توقیف است و هم کمبود بازیگران!



با با افکار خنده‌دار و داستان‌های جذابی ترکیب کند تا تماشاگر به این مسائل عمیق‌تر فکر کند. اما حالا گویی، در سینمای ما، مرز بین ژانر کمدی و هجو به طور آشکار نامرئی شده است. گویی هدف اصلی تولید کمدی‌ها، صرفاً پر کردن زمان تماشاگران و خارج کردن ذهن آن‌ها از دغدغه‌ها و معضلات جامعه است. سینما نیست و فیلم‌های طنز در دوره‌های مختلف نیز عنوان پر فروش‌ترین سال را از آن خود کرده‌اند. اما شاید در کمتر دوره‌ای بوده است که سینمای اجتماعی ایران در چنین شرایط بحرانی قرار گرفته باشد. از یاد نبریم که در همین سینما، فیلم‌های اصغر فرهادی، فریدون جیرانی، سعید روستایی، مرحوم داریوش مهرجویی، ابراهیم حاتمی کیا و … بسیاری دیگر از کارگردانان اجتماعی ساز و یا درام ساز سینمای ایران بارها توانسته بود سینمای کمدی را پشت سر بگذارد.

حالا دیگر گویی قرن‌ها از کمدی‌های ارزشمندی، چون «آچاره نشین‌ها»، «آدم‌پرچی»، «امارمولک»، «مهمان مامان»، «دایره زنگی» و «ورود آقایان ممنوع» گذشته است. روزگاری که ژانر کمدی هنوز به سیوگ بدل شده بود، سینمایی که حتی در کمدی‌ترین شمایل خود، دست‌کم با مکتب بنیانگذاران کمدی مانند چارلی چاپلین، باستر کیتون، هارولد لوید، لورل و هاردی، تئاتر، تلخه‌ها و نازیبایی‌های اجتماعی

سینمای روی خط فیلم‌سوزی

صنعت سینما در ایران همچنان با چالش‌ها ومسائلی مواجه است که نیاز به توجه و راهکارهای جدی دارد. در حال حاضر، ۳۸ فیلم در سراسر کشور در سالن‌های سینما نمایش داده می‌شوند. این تعداد فیلم در حدود ۷۰۰ سالن سینمایی کشور اکران می‌شوند. به این ترتیب اگر علالت در اکران رعایت شود و سینماگران نیز به مساوات قائل باشند، سهم هر فیلم تقریباً ۱۸ سالن خواهد بود.

اما واقعیت آماری این است که بسیاری از سالن‌های سینمایی کشور تک‌سالنه یا دوسالنه هستند و نمی‌توانند تعداد زیادی از این تعداد فیلم را نمایش دهند و مشخصاً چند فیلم به‌خصوص را اکران می‌کنند. از طرفی، زمانی‌که تعداد فیلم‌های اکران فزغنی افزایش می‌یابد، سینمای سرگروه بی‌ارزش می‌شود و در نتیجه،

تدریس تئوری موسیقی پرداخت.

در همان دوران، به مدیریت آرشيو موسیقی ملی در تهران منصوب شد و تحقیق درباره موسیقی فولکلور ایران و سازهای ملی و گردآوری آنها را به عهده گرفت. در سال ۱۹۶۳، با بورسی که از سوی کارل ارف به او داده شد، به اتریش برگشت و در سالزبورگ اقامت و اپرای رستم و سهراب خود را تکمیل کرد.

آفرینش نخستین اپرای ایرانی برای کودکان نیز با «پردیس و پریسا» به نام لوریس چکناواریان ثبت شده‌است. لوریس چکناواریان در عرصه باله نیز کار کرده‌است.افسانه «سیمرغ» از عطار نیشابوری از کارهای او در این زمینه است. سیمرغ در سال ۱۳۵۴ در تالار رودکی نخستین اجرای خود را تجربه داد. دیگر آثار لوریس چکناواریان عبارت‌اند از: سمفونی شماره یک برای ترومپت و سازهای کوبه‌ای، سمفونی کردو، اورتوریو (Oratorio) زندگی مسیح، دو کنسرتو برای ویولن و پیانو، سوئیت دریاچهٔ وان، و بالاخره اورتوریو آخزمزمن.

چکناواریان که در میان طرفدارانش به شوخ‌طبعی و بی‌غل و

غش بودن شهرت دارد، درباره خودش می‌گوید: «خودم را جدی نمی‌گیرم. کار من باید در دنیا باقی بماند و این آثارم است که باید جدی باشند. ده‌های شما برایم خیلی مهم هستند، اگر در اقیانوس شنا کنیم، خفه می‌شوم اما من اکنون در اقیانوس مهر شنا می‌کنم و در کنار شما هستم، آدم هیچ‌وقت در اقیانوس عشق خفه نمی‌شود.»

آرام خاچاطوریان درباره چکناواریان گفته است: «او استعدادی بزرگ است که سنن موسیقی ایرانی‌ها را ادامه داده‌است… یک موسیقی‌دان و رهبر برجسته!»

لوکاس فاس نیز معتقد بود که چکناواریان یک آهنگساز خوب، رهبر باتجربه و موسیقیدانی واقعی است.

فرهنگ وهنر

خبر

پایگاه میراث جهانی تخت جمشید:

خبر ریزش سقف آرامگاه اردشیر دوم دروغ است



روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید در اطلاعیه‌ای اعلام کرد،خبر ریزش سقف آرامگاه اردشیر دوم در تخت جمشید کذب محض است.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اعلام این خبر تأکید کرد خبر ریزش سقف آرامگاه اردشیر دوم در تخت جمشید که در برخی از رسانه ها ی برخی و مکتوب به ویژه خبرگزاری ایسنا منتشر و باز نشر شده است صحت ندارد و شواهد و دلایل کارشناسی این موضوع را رد می کند. همچنین بررسی‌های کارشناسی و مطالعه اسناد و عکس های آرشیو شده این آرامگاه(اردشیر دوم) نشان می دهد عوارضی که بر سقف و دیواره این بنا مشاهده می شود تمامی مربوط به سالهای دور بوده و بازنگذی های سالهای اخیر و بهاری امسال تأثیری در گسترش احتمالی آسیب ها در این اثر جهانی نداشته است.

روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید همچنین براین موضوع تأکید دارد در تصاویری که در برخی از رسانه ها منتشر شده، مشاهده می شود که بخش هایی از سقف دچار فرسایش شده اند به گونه ای هستند که سلخ فرسایشی آنها نشان می دهد این فرو ریختگی ها مربوط به سالهای اخیر نیست چراکه لبه های بخش هایی که دستخوش تغییراتی شده اند با فرسایش همراه است که نشان از گذشت زمان دارد و لذا این عوارض جدید نیست.

بنابراین گزارش، آرامگاه اردشیر دوم در تخت جمشید در صخره کوهستانی کوه رحمت در درون سنگ کنده شده است. در داخل این آرامگاه تابوت های سنگی تعبیه شده و سقف آنها طاق های هلالی شکلی است و در واقعیت، بخشی از کوه است. در بیرون صخره ها مربوط به سالهای اخیر نیست چراکه لبه های کوهستان منافی وجود دارد که رطوبت باران از طریق رگ های خاک به داخل سقف آرامگاه نفوذ پیدا می کند و این موضوع قرن ها در این محل وجود داشته و مسئله تازه ای نیست زیرا سقف آرامگاه صخره کوهستان است.

در دهه های اخیر برنامه حفاظت و انتقال آبراهه های کوهستانی به سطح بیرون در محدوده پشت سقف آرامگاهها انجام شده است و برنامه پایش آرامگاههای تخت جمشید نیز به عنوان بخش مهم برنامه مرمت و حفاظت به صورت دائمی در حال انجام است. مرمت

گسترده نمای این آرامگاه انجام شده و نقوش نمای آن تثبیت و استحکام بخشی شده اند. همچنین سازه های خشتی بیرون آرامگاه در سال اخیر مرمت شده اند و مسیر آبراهه های کوهستانی پشت این آرامگاه زهکشی شده و هدایت آبهای سطحی به بخش بیرونی در هر دو طرف محدوده سقف انجام شده است. برای شناسایی رگه های نفوذ آب در صخره های کوهستانی کوه رحمت برنامه مطالعات اسکن صخره ها یا اتکا به سیستم(GPR) در حال انجام است و نمونه آن در آرامگاه خشایارشاردر نقش رستم انجام شده است و در این مرحله برنامه اسکن سایر آرامگاهها در دست اقدام است و به محض تأمین اعتبارانجام خواهد شد. بنابراین گزارش آرامگاه های هخامنشی همچون سایر یادمان های سنگی و خشتی این بخش به طور مداوم مورد حفاظت و مرمت قرار می گیرند و عملیات حفاظت و مرمت هیچگاه در مجموعه جهانی تخت جمشید متوقف نمی شود. در پایان باید اضافه کرد عملیات حفاظت و مرمت روندی بسیار پیچیده و تخصصی است و تعجیل در اتمام پروژه‌های حفاظت و مرمت جایز نیست زیرا هرگونه اقدامی باید مبنای علمی داشته و براساس برنامه و تصویب طرح در شورای فنی صورت گیرد، نتایج آن در هر محله مورد پایش قرار گیرد. این پایگاه همواره از نظر متخصصین و دلسوزان میراث فرهنگی حمایت و استفاده می کند و در حال حاضر برنامه های گسترده‌ای برای حفاظت و مرمت تخت جمشید در دست اقدام دارد.

سوء تفاهم تازه‌کاران موسیقی ایرانی

رورد به موسیقی ایرانی، این ژانر هنری را تافته‌ای جدا بافته و منزه از هر عیب و ایرادی بداندند و باز هم مشکل کار اینجا نیست بلکه نگاهی است که به آن آلوده شده‌اند و دیدگاه تحقیرآمیزشان به موسیقی پاپ است و خود را کلا از موسیقی و هنرمندان پاپ والتر و بالاتر می‌انگازند، کما اینکه خیلی از این هنرمندان هنوز در اول راه هستند و نمی‌توانند آوازی را به درستی اجرا کرده یا ساز خود را درست‌ی کوک کنند اما نگاه بالا به پایین‌شان اولین آسیب را به خودشان خواهد زد که در سطح فراگیری و تلاششان دافعه ایجاد می‌کند. و اینکه چشمان خود را بجز موسیقی ایرانی به دیگر ژانرها و ساحته‌های بی‌کران موسیقی می‌بندند. همین امر باعث نگاه دوگماتیک و سو نگر نه در ذهن بلکه در آفرینش‌های آتی‌شان خواهد شد.

ضمن اینکه در این خصوص برخی از فقدان اطلاعات رنج می‌برند و نگرش محدودشی از موسیقی‌های غیر ایرانی دارند. همین موسیقی پاپ که در درون خود هم شاهکار دارد کم ضعیفی، دارای ارکانی در هارمونی و ساختار است که بخش اعظمی از آن و حتی موسیقی جز متاثر از آثار بزرگان کلاسیک جهان نظیر (برلودهای باخ) است. این قوانین هارمونیک کنترپونتیک به مرور زمان و به فراخور حس و حال هنرمندان موسیقی پاپ باعث غنای این ژانر شده‌اند. به همین دلیل، این ژانر هم قابلیت‌های خود را دارد.
با این وجود،موسیقی پاپ به سبب ماهیت پاپولار بودنش، از نظر تنوع فرم و محتوا همواره بی‌پروا دست به هر تجربه‌ای میزند و قابلیت کاربردپذیری و تسهیل‌سازی این نوع موسیقی باعث شده که هنرمندانی با سابقه و مهارت اندک و حتی غیرمرتبط با این ژانر موسیقی، به شهرت و نام و نانی برسند اما این را

برای نمونه، نوازنده ساز سنتور جدای از دشواری‌های فراگیری این ساز، از همان ابتدا با مساله کوک ساز مواجه می‌شود و باید در این مسیر علاوه بر توانمندسازی خود در نوازندگی، گوش شنیداری موسیقایی خود را نیز ارتقا بخشد. او به تدریج با زیر و بم و کوکی و ناکوکی سیم‌های سنتور آشنا می‌شود و به تدریج و با تمرین و آزمون و خطا، ناکوکی‌ها را منوجه و ساز را به کوک می‌رساند. اما مثلاً در ساز کیبورد یا ارگ اینچنین مشکلی وجود ندارد و نوازنده در مسیری هموار و بدون اینکه نیاز به درک جزئیات در مقیاس ریز فواصل سنت و کما در کوک داشته باشد کارش را با سازش پیش می‌برد.

البته در موسیقی پاپ سازهایی مانند پیانو هم حضور دارد که اغلب نوازندگان متوسط به بالا هم برای کوک سازشان به نوازندگان و متخصصین سطح بالاتر می‌سپارند. برخی سازها مثل الکتریک گیتار یا ویلن هم که به ترتیب شش و چهار سیم دارند خیلی مهارت پیچیده‌ی برای کوک کردن نیاز نخواهند داشت اما به غایت دارای دشواری‌های تکنیکی در نوازندگی هستند.
این نکته طرح این مباحث برای روشن شدن و جا افتادن اصل مطلب است که در بخش پیش رو مطرح می‌شود.

قطع به یقین در بین فعالین موسیقی پاپ هم آتقدّر هنرمند درجه یک وجود دارد که به همان اندازه در موسیقی ایرانی؛ این نگاه که حکما و عقلا موسیقی ایرانی بالاتر باشد یا نباشد قیاسی نادرست است.

اما مساله مورد نظر این یادداشت، پدیده‌ای‌ست که روز به روز بیشتر در بین هنرمندان تازه‌کار و آماتور موسیقی ایرانی به چشم می‌خورد، همین تلقی که موسیقی ایرانی فاخر و سطح بالا است باعث شده برخی از این نوازموزان به محض



نمی‌توان به مثابه موسیقی پاپ و کلیت این ژانر گذاشت بلکه ماهیت این موسیقی باعث جسارت بیشتری در آزمون و خطاها شده است.

بی‌شک، هنرمند اگر در مسیر تعالی و پیشرفت قرار بگیرد و به این دیدگاه ایمان داشته باشد، در هر ژانری، در هر هنری و در هر کاری به نقطه کمال خواهد رسید. در این شرایط، بافت اکثریتی جامعه مخاطب که همواره بهترین‌ها را انتخاب می‌کند، هم می‌تواند از «بوی عیدی» فرهاد لذت ببرد هم «آواز چهارگاه» شجریان.